

ترجمه آثار فارسی به ترکی در دوره امپراتوری عثمانی

نصرالله صالحی* (دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران)

چکیده: پیروزی سلجوقیان در نبرد ملازگرد (۴۶۳ق)، مقاومت بیزانس را درهم شکست و دوره‌ای از مهاجرت و اسکان ترکمنان در آسیای صغیر (دیار روم) آغاز شد. استقرار تدریجی سپاهیان و گروه‌های مختلف مردمی، راه نفوذ زبان و فرهنگ ایرانی را به آسیای صغیر هموار کرد. گسترش مهاجرت از ماوراءالنهر، خراسان و نقاط دیگر به آسیای صغیر نیز به تنوع فرهنگی و زبانی در این سرزمین دامن زد. در دوران حکمرانی سلاجقه روم و امیرنشین‌ها نیز آثار متعددی به زبان فارسی تألیف شد و با تشکیل دولت عثمانی زبان فارسی همچنان اهمیت خود را حفظ کرد، چنان‌که آثار متعددی به این زبان نوشته شد. تقویت زبان ترکی به تدریج سبب تألیف آثار به زبان ترکی شد و ترجمه آثار فارسی به ترکی رواج و گسترش یافت. البته تقویت و تثبیت زبان ترکی در دوره عثمانی از اهمیت زبان فارسی نکاست، بلکه به ترجمه آثار فارسی به ترکی توجه بیشتری شد تا آنجا که مترجمان مختلف برخی از آثار ماندگار فارسی در ادوار گوناگون را چندین بار به زبان ترکی ترجمه کردند. در جستار حاضر ضمن اشاره به جایگاه زبان فارسی در دوره عثمانی، سیر ترجمه آثار در سه دوره مختلف متقدم، دوره لاله و دوره معاصر بررسی شده همچنین، چرایی رواج ترجمه آثار فارسی به زبان ترکی تبیین شده است. یافته‌های این پژوهش افزون بر اهمیت جایگاه زبان فارسی در دوره عثمانی، کثرت و تنوع آثار ترجمه شده به زبان ترکی را نشان می‌دهد و مبین اقبال نخبگان عثمانی به ترجمه آثار فارسی به ترکی است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی عثمانی، زبان فارسی، زبان ترکی، ترجمه

مقدمه

آسیای صغیر (دیار روم)، از آنجا که بخشی از قلمرو امپراتوری بیزانس به شمار می‌رفت از آغاز فتوحات

اسلامی مورد توجه فاتحان مسلمان بود. امپراتوری بیزانس با وجود پذیرش شکست و عقب‌نشینی از برخی قسمت‌های آسیای صغیر، در معرض تهدید جدی قرار نگرفت؛ اما با مهاجرت گسترده ترکان در دوره سلجوقیان از آسیای مرکزی به ایران، شرایط رفته‌رفته در ایران و به دنبال آن در دیار روم تغییر کرد و حملات جسته و گریخته ترکان به مرزهای شرقی بیزانس آرامش و امنیت امپراتوری را به هم ریخت. بعد از شکست بیزانس، در نبرد ملازگرد (۴۶۳ق)، راه ترکان مسلمان به آسیای صغیر هموار شد و شاخه دیگری از دولت سلاجقه در آسیای صغیر سربر آورد. ریشه این شاخه در ایران بود به همین دلیل دولت سلاجقه روم زبان، فرهنگ و تمدن ایرانی را در سراسر قلمرو حکمرانی خود اشاعه داد و زبان و ادب فارسی به‌عنوان یکی از مظاهر بارز فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر گسترش یافت و زبان رسمی شناخته شد (احسان‌اوغلو، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۱؛ واحد و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰؛ لوئیس، ۱۴۰۲، ص ۳۰). زبان و ادب فارسی در قلمرو آسیای صغیر حتی، در بالکان بالید و شاهکارهایی ماندگار پدید آورد. زبان فارسی در دولت عثمانی نیز جایگاه مهمی داشت و آثار زیادی به این زبان تألیف شد. هنگامی که زبان ترکی تقویت شد و در جایگاه زبان ادبی قرار گرفت، تألیف و ترجمه آثار به زبان ترکی نیز رواج و گسترش یافت. در جستار حاضر کوشش شده است ضمن تبیین چرایی رواج ترجمه آثار فارسی به ترکی در دوره عثمانی، به بررسی سیر تکاملی ترجمه آثار در سه دوره مختلف پرداخته شود: دوره متقدم، دوره لاله و دوره معاصر.

در باره موضوع پژوهش حاضر مقاله مستقلی به زبان فارسی و ترکی انتشار نیافته است، اما در آثاری که مربوط به گسترش و نفوذ زبان و ادب فارسی در آسیای صغیر است به صورت جسته گریخته به برخی ترجمه‌های فارسی به ترکی اشاره شده است. پژوهشگران ایرانی چون ریاحی (۱۳۶۹)، الهامه مفتاح و وهاب ولی (۱۳۷۴) و از میان پژوهشگران ترک اوزون چارشلی^۱ (۱۳۸۰) در مباحث علمی و فرهنگی دوره عثمانی به برخی آثار ترجمه از فارسی به ترکی اشاره کرده‌اند. آکسوی (۲۰۰۵) فعالیت‌های ترجمه در دوره عثمانی را بررسی کرده و نجدت توسون (۲۰۱۹) در مقاله‌ای درباره ترجمه فارسی به ترکی، عمدتاً به معرفی متون تصوف پرداخته است. پژوهشگران ترک درباره ترجمه برخی متون کلاسیک فارسی همچون شاهنامه، قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، مثنوی مولوی، آثار عطار و نظایر آن مقاله‌های مختلفی منتشر کرده‌اند.

1) Uzunçarşılı

فتح ملازگرد و پیدایش سلاجقه روم

فتح ملازگرد و شکست امپراتوری بیزانس تنها ماهیت نظامی نداشت بلکه نتایج و تبعات فکری و فرهنگی گسترده‌ای نیز به جا گذاشت. گسترش اسلام و نفوذ فرهنگ ایرانی در قلمرو آسیای صغیر سبب بزرگ‌ترین تحولات دینی، علمی و فرهنگی شد. با فروریختن دیوار روم مسیحی، سیل مهاجران مسلمان ایرانی همراه سپاه سلجوقی به آسیای صغیر سرازیر شد. ایرانیان گروه‌گروه از سپاهی، دیوانی، صوفی و بازرگان راهی دیار روم شدند و در شهرها جای گرفتند و ترکمان‌های کوچ‌رو در دشت‌ها و جلگه‌ها پراکنده شدند، بدین ترتیب فرهنگ ایرانی را نیز با خود به ارمغان بردند^(۱) (ریاحی ۱۳۶۹، ص ۵-۶؛ شکر ۱۳۸۵، ص ۱۱۴). این مهاجرت گسترده به آناتولی که از آن به «مهاجرت فکری» نیز یاد شده است، سبب تمرکز نخبگان علمی در قلمرو سلاجقه روم شد و به شکوفایی فرهنگی و مدنی این سرزمین کمک شایانی کرد (ارطغرل ۱۳۹۱، ص ۱۷). تأثیر عمیق فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر در همه شاخه‌های تمدن، از جمله در زبان و ادبیات خود را نشان داد. این تأثیر را می‌توان در تفکر، زبان، شکل، شیوه بیان و سبک شعر نیز به صورتی ژرف و مؤثر مشاهده کرد (کوپرولو ۱۳۸۵، ص ۲۸۹). تأثیرات فوق را از منظر جایگاه زبان و ادب فارسی به‌ویژه ترجمه آثار فارسی به ترکی، به چند دوره می‌توان تقسیم کرد:

دوره عثمانی متقدم

دولت عثمانی پیش از تأسیس همانند دیگر امیرنشین‌های آسیای صغیر در قرون هفتم و هشتم هجری/ سیزدهم و چهاردهم میلادی، تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی بود و امیران و شاهزادگان عثمانی با فرهنگ و ادب فارسی به‌خوبی آشنا بودند. بعد از تشکیل دولت عثمانی (۶۹۹ق)، با وجود پیشرفت تدریجی زبان ترکی، زبان فارسی همچنان زبان مکاتبات ادبی و سیاسی به شمار می‌رفت همچنین تألیف و ترجمه از زبان فارسی به تازی و به‌عکس نیز ادامه داشت. مورخ مشهور عثمانی، مصطفی عالی افندی، در کنه الاخبار با ایجاز تمام، سه زبان مرسوم در قلمرو عثمانی را توصیف کرده است. از وصف او می‌توان به اهمیت و جایگاه زبان فارسی پی برد. وی می‌نویسد: فراگیری زبان عربی فرض است، به کار بردن زبان فارسی سنت سنتیه است و کاربرد زبان ترکی مستحب (Balci2006, s.9).

از اوایل سده هشتم هجری، کم‌کم ترجمه آثار تاریخی فارسی به ترکی آغاز شد. نخستین مورد از این ترجمه‌ها از آن حسام‌الدین چلبی در سال ۷۱۰ق و با ترجمه تاریخ طبری است. این ترجمه از روی

ترجمه فارسی تاریخ طبری یعنی، تاریخ بلعمی انجام شد. در همین سده، تذکره الاولیای عطار نیز به ترکی ترجمه شد (ششن ۱۳۹۱، ص ۲۶۴).

نخستین سلاطین عثمانی با اینکه به سه زبان یاد شده آشنا بودند، خود را در نوشتن مکاتبات به استفاده از زبان فارسی مقید می‌کردند. از ایشان نامه‌های متعددی به فارسی در منشآت فریدون بیگ به جا مانده است. از جمله این نامه‌ها، نامه‌های سلطان بایزید اول معروف به ییلدیریم^۱ (حک: ۷۹۳-۸۰۵ق) به قرايوسف ترکمان (حک: ۸۱۰-۸۲۳ق) به زبان فارسی است. در همین مجموعه نامه‌های فارسی از سلطان محمد اول (حک: ۸۰۵-۸۲۴ق)، سلطان محمد دوم معروف به فاتح (حک: ۸۵۵-۸۸۶ق) و بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ق) به شاه‌رخ تیموری (حک: ۷۷۹-۸۵۰ق)، قرايوسف، اولوغ‌بیگ، بایسنقر و شاه اسماعیل صفوی، همه به نثر مصنوع مترسلانه، موجود است (آیدین ۱۳۸۵، ص ۳۳). در این مکاتبات یک طرف مکاتبه فردی ایرانی است، لذا ارسال نامه به زبان فارسی شاید طبیعی به نظر برسد، اما بنابر برخی منابع موجود، نامه‌هایی به فارسی میان خود سلاطین و برخی دولتمردان و شاهزادگان عثمانی و حتی، نامه‌هایی میان سلاطین عثمانی و سران دیگر دولت‌ها به زبان فارسی نوشته شده است (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۲۱۱، ۲۱۴). این امر نشان دهنده اهمیت زبان فارسی در آسیای صغیر و حمایت سلاطین عثمانی از این زبان است. برخی مکاتبات میان تیپوسلطان و سلاطین عثمانی در اوایل قرن سیزدهم/ نوزدهم نشان می‌دهد که نوشتن نامه به زبان فارسی در این قرن نیز مرسوم بوده است (همان، ص ۲۱۶). علاوه بر مکاتبات، در نوشتن فتح‌نامه‌ها نیز زبان فارسی کاربرد فراوان داشته، چنان‌که فتح‌نامه‌های متعددی به این زبان از دوران عثمانی به جا مانده است (همان، ص ۲۱۵).

پس از پایان دوره فترت و روی کار آمدن چلبی محمد (حک: ۸۱۶-۸۲۴ق)، به تدریج موقعیت دولت عثمانی مستحکم و به زبان ترکی توجه بیشتری شد. به اعتقاد اوزون چارشلی عثمانیان در آناتولی، علاوه بر سیاست، به علم و ادبیات نیز وحدت بخشیدند (اوزون چارشلی ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۲۷). می‌توان گفت تحول اساسی در تقویت زبان ترکی از دوره مراد دوم (حک: ۸۲۴-۸۵۵ق) آغاز شد. مراد دوم شخصاً به علم و شعر و موسیقی علاقه‌ای وافر داشت. در دربار او بسیاری از علما، شعرا و موسیقی‌دانان گرد آمدند و دربارش به صورت یک محفل علمی، هنری و ادبی درآمد. با حمایت وی بعضی از آثار عربی و فارسی به ترکی ترجمه شد (اوزترک ۱۳۹۱، ص ۹۲) و حتی، زبان ترکی به زبان

1) Yıldırım

دولتی ارتقا یافت. مراد دوم در فرمانی دستور داد تا در سراسر قلمرو دولت عثمانی، افراد به زبان ترکی سلیس و ساده بنویسند (Aksoy 2005, s. 951). پیشرفت تدریجی زبان ترکی موقعیت زبان فارسی را تضعیف کرد با این حال، شوق و علاقه اهل علم و ادب به خواندن آثار منظوم و منثور فارسی هرگز فروکش نکرد و شاهکارهای ادب فارسی نه تنها به عنوان عالی ترین نمونه های ذوق و اندیشه بشری جای خود را در دل های فرهیختگان آن دیار حفظ کرد (آیدین ۱۳۸۵، ص ۳۳)، بلکه الگو و معیار نوشتن و سرودن آثار ادبی به زبان ترکی شد. اصولاً تحول زبان ترکی به زبان روایی کلاسیک عثمانی تحت تأثیر ترجمه ها و اقتباس هایی از زبان فارسی و گاه عربی صورت گرفت. بیش از همه، متون عرفانی و تاریخی تحت تأثیر متون فارسی بودند (Aksoy 2005, s. 952). آکسوی معتقد است ترجمه متون نظم و نثر از عربی و فارسی در تکوین زبان ترکی غربی^(۲) و خلق آثار مشابه مؤثر بوده است، مانند ترجمه تذکره الاولیای عطار از سنن پاشا و نیز اثری از خود او با عنوان معارف نامه به زبان فاخر ادبی ترکی، که بهترین نمونه کاربرد زبان ترکی ادبی تلقی می شود (ibid, s. 951-952).

در تقویت زبان ترکی چند نفر نقش مؤثر داشتند از جمله، شیخ اوغلی مصطفی (۷۲۴-۸۱۵ق)، نشانجی^۱ و دفتردار امیر گرمیان، با سرودن داستان «خورشید و فرحشاد» به نام حکمران و امیر گرمیان که در این داستان کم و بیش کلمات فارسی و عربی را به کار برده و با احاطه و تسلط کامل، اشعار فارسی را به ترکی ترجمه کرده است. اشعار شیخ اوغلی غنایی و احساسی نیستند، ولی از نظر تکنیک و اسلوب بی نقص اند. وی مرزبان نامه و قابوس نامه را نیز که به نام سلطان سلجوقی و امیر گرمیان، رکن الدین سلیمان شاه دوم، است از فارسی به ترکی درآورد. مرزبان نامه را نخستین بار محمد بن غازی ملطیوی از زبان طبری به پارسی ترجمه کرده بود.^(۳) احمدی (۷۳۵-۸۱۴ق) با سرودن اسکندرنامه به نام سلیمان شاه، راه شیخ اوغلی مصطفی را ادامه داد و حتی بر او پیشی گرفت. او نخست در خدمت آل گرمیان بود و بعد به خدمت عثمانیان درآمد. جریانی را که احمدی به لحاظ ادبی آغاز کرده بود، شاگردش شیخی سنن ادامه داد (اوزون چارشلی ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۲۸-۶۲۹).

حسین بن سلطان احمد الجلایری در اوائل سده نهم، برای دومین بار پس از شیخ اوغلی، تاریخ طبری را ترجمه کرد. در همین زمان کتاب عجایب المخلوقات قزوینی نیز به ترکی ترجمه شد. یکی از مهم ترین آثاری که در همین سده به ترکی ترجمه شد، کتاب تاریخ ابن کثیر است که دلشاد بن سیروان

1) Nişancı

آن را ترجمه کرد (شش ۱۳۹۱، ص ۲۶۴-۲۶۵). در نیمه اول قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی، هم‌زمان با گسترش نفوذ عثمانیان در روم‌ایلی و آناتولی، زبان ترکی به صورت زبان علمی درآمد. بنابراین، سلیمان چلبی و مراد دوم با درک اهمیت زبان ترکی از شاعران و ادیبانی نظیر احمدی، احمد داعی، عطایی، شیخی سنان و دیگران حمایت کردند و نقش مؤثری در تحکیم موقعیت این زبان داشتند. شخصیت برجسته‌ای نظیر شیخی سنان که صاحب مکتب بود، تحصیلاتش را در ایران تکمیل نمود و به دستور سلطان مراد دوم (حک: ۸۲۴ - ۸۵۵ق)، خسرو و شیرین نظامی را به ترکی ترجمه کرد. این ترجمه به مثابه یک اثر هنری و بازتاب شخصیت شیخی سنان است و یکی از عوامل مهم و مؤثر در شهرت وی نیز همین ترجمه اوست (اوزون چارشلی ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳۰). افزون بر آثار یادشده، در دوره مراد دوم، برخی آثار مهم دیگر نیز به ترکی ترجمه شد از جمله: رساله ولایت‌نامه حاجی بکتاش ولی به قلم خطیب اوغلو (اوزون چارشلی ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳۱)؛ ترجمه رساله خواجه نصیر در باب خواص و انواع جواهرات با نام جواهرنامه در هفت باب؛ ترجمه مرصاد العباد نجم‌الدین دایه به قلم قاسم بن محمود قراحصاری (همان، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۳۸)؛ ترجمه جوامع الحکایات و لوامع الروایات به قلم ابن‌عریشه؛ ترجمه گلستان سعدی به قلم حسام‌الدین توقاتی (همان، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۴۰). اولین ترجمه منشور ترکی شاهنامه به فرمان مراد دوم به قلم مترجمی ناشناس انجام شد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه کاخ توپکاپی سرای^۱ در ۳۲۸ ورق و ۹ مینیاتور موجود است (جوادی ۱۴۰۱، ص ۵۴). دو ترجمه از قابوس‌نامه یکی به نظم به قلم بدری دلشاد با عنوان مرادنامه، و دیگری به نثر به قلم مرجمک احمد بن الیاس نیز در دوره مراد دوم انجام شده است (Doğan 2012, s. 80-81).

سیر فن ترجمه از زبان فارسی به ترکی و نیز تقویت زبان ترکی در دوره جانشین مراد دوم، محمد فاتح (حک: ۸۵۵ - ۸۸۶ق)، همچنان ادامه یافت. مقارن افول دوره تیموری و آغاز تشّت و ازهم‌گسیختگی در ایران، محمد فاتح با فتح قسطنطنیه (۸۵۷ق/۱۴۵۳م) دولت عثمانی را به اوج قدرت رساند. او در جذب علمای پرآوازه ایرانی به دستگاه خود از راه تکریم، اعزاز و پرداخت مقرری‌های گزاف به موفقیت دست یافت. ایرانیان در دربار فاتح چنان ارج و منزلتی یافتند که مورد رشک و حسد درباریان قرار گرفتند. حتی برخی از علمای آسیای صغیر مثل لئالی برای تقرّب به دربار سلطان تلاش کردند تا خود را ایرانی جا بزنند. لطیفی در تذکره‌اش، حکایت مزبور را با نقل اشعاری که به خود لئالی

1) Topkapı Sarayı

منسوب کرده، ماجرا را آب‌وتاب داده و تلاش کرده است تا مقام و موقعیت ممتاز ایرانی‌ها را در دربار و نظام اداری عثمانی به‌خوبی آشکار کند (نوریلدیز ۱۳۹۱، ص ۲۲۱-۲۲۲).

درحقیقت، با حضور پررنگ علما، شعرا و دانشمندان ایرانی در دربار عثمانی که بیشتر ناشی از بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی جدید در شرق جهان اسلام مثل خراسان و ماوراءالنهر بود زمینه مساعدی برای مهاجرت علمای ایرانی به دربار عثمانی فراهم شد، به‌عبارت دیگر، جهت مبادلات فرهنگی که پیش‌تر متوجه قطب شرقی جهان اسلام بود به سمت غرب گرایش یافت (حیدرزاده ۱۳۷۶، ص ۵۵). تأثیر تغییر مسیر مهاجرت علمای ایرانی از شرق (ماوراءالنهر) به غرب (عثمانی) را می‌توان در آثار دو تن از دانشمندان مشهور این دوره یعنی، علاءالدین علی قوشچی و ابن‌عربشاه به وضوح دید. ابن‌عربشاه در سفری که به ادرنه داشت (۸۱۴ق) در دربار سلطان عثمانی بسیار تعظیم و تکریم شد و به‌عنوان معلم سلطان مراد دوم چند سال در این شهر اقامت گزید. سرمایه علمی و فرهنگی این دانشمند مهاجر سبب شد دبیری سلطان محمد و انشا و نگارش رسائل عربی، فارسی، ترکی و مغولی دربار عثمانی به او واگذار شود. ابن‌عربشاه در کنار انجام امور محوله دیوانی، به ترجمه برخی آثار نیز مبادرت ورزید از جمله، جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات، اثر نورالدین محمد عوفی را از فارسی به ترکی برگرداند؛ تفسیر ابواللیث نصر بن محمد فقیه سمرقندی حنفی را از عربی به ترکی ترجمه کرد و تعبیر الرویای قادری اثر ابوسعید نصر بن یعقوب دینوری را از عربی به زبان ترکی به رشته نظم کشید (سعیدی و معاذلهی ۱۳۹۴، ص ۲۰۲).

با توجه به شخصیت علمی محمد فاتح و وزیر اعظمش، محمودپاشا، که از نویسندگان، شاعران و دانشمندان حمایت می‌کردند ترجمه و تألیف آثار مختلف افزایش چشمگیری یافت. به اعتقاد اوزون چارشلی این آثار نشان می‌دهند که زبان ترکی دیگر به صورت یک زبان عمومی درآمده بود. ورود شمار زیادی از واژه‌های عربی و فارسی به زبان ترکی سادگی این زبان را برهم‌زد و موجب غنای آن شد، بدین ترتیب استفاده از یک رشته واژه‌های عربی و فارسی به‌جای واژه‌های ترکی ضرورت پیدا کرد. به دنبال این جریان، توان این زبان در تولید آثار منظوم و منثور هرچه بیشتر فراهم شد (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۴۷).

یکی از مشهورترین دانشمندانی که در دوره فاتح به استانبول مهاجرت کرد علاءالدین علی قوشچی سمرقندی بود که آثار متعددی از خود باقی گذاشته است. وی از دربار اوزون حسن به دربار محمد

فاتح آمد و یکی از آثار خود به نام رساله فی الهیئه را به زبان فارسی نوشت و هنگام جنگ محمد فاتح با اوزون حسن، آن را با عنوان فتحیه به عربی ترجمه کرد. همچنین رساله فی الحساب خود را به زبان فارسی نگاشت و بعد با نام رساله محمدیه به عربی ترجمه کرد و به سلطان تقدیم نمود (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۶۸). قوشچی همچنین به درخواست دربار عثمانی، رساله جغرافیای ریاضی و نجومی خود را به زبان ترکی ترجمه کرد (سعیدی و معاذلهی ۱۳۹۴، ص ۲۰۲). یکی از دانشمندان وقت به نام پرویز افندی رساله قوشچی را که در هئیت نوشته شده بود از فارسی به ترکی برگرداند و به وزیراعظم مقبول پاشا اهداء کرد (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۴۶).

برخی دیگر از آثار مهم دوره محمد فاتح عبارت‌اند از: ترجمه کتاب لغت به نام شامل اللغه به قلم حسن بن حسین عماد قراحصاری؛ ترجمه مناظره لیل و نهار نوشته علی بن فتح‌الله المعدانی الاصفهانی؛^۱ کتاب سیاست‌نامه به زبان فارسی از علی بن محی‌الدین محمد ملقب به مصتفک؛ دست‌نویس اثری تاریخی و منظوم تألیف انوری که هر سه کتاب اخیر به محمودپاشا، وزیر اعظم، اهدا شده است؛ شهنامه فردوسی طویل؛ قصه میدیلی یا قطب‌نامه؛ لغت‌نامه‌ای از زبان عربی به فارسی به نام مصرحة الاسماء از شاعری به نام محمد؛ گلستان شمایل، در سه باب درباره شمایل نبویه (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۴۴). در دوره محمد فاتح ترجمه‌هایی از زبان یونانی به فارسی نیز سراغ داریم. از جمله، سه مترجم متنی یونانی را درباره تاریخ بنای ایاصوفیه به فارسی ترجمه کرده‌اند (مشهدی رفیع ۱۴۰۱، ص ۵-۲۷).^۲

در دوره مراد دوم و محمد فاتح، نخستین آثار در مباحث علمی، ادبی و هنری پدید آمد. علاقه بیش از حد سلطان مراد دوم به موسیقی و معاشرت وی با شعرا و ادبا موجب شد که اولین اثر درباره موسیقی به وی تقدیم گردد. شکرالله بن احمد آماسیایی، مصاحب مشهور سلطان مراد، رساله ادوار صفی‌الدین بن عبدالمؤمن أرموی (۶۱۳-۶۹۳ق) را که در پنج فصل و به زبان فارسی تألیف کرده بود، با افزودن بیست و یک فصل از آثار ابن سینا، ابن نصر، کمالی تبریزی، شیخ حسام‌الدین کازرونی، اخوان‌الصفاء و برخی آثار دیگر به ترکی ترجمه کرد (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۰۷). یازیجی زاده احمد بیجان افندی قدیمی‌ترین اثر در علم جغرافیا را در سال ۸۵۷ق/۱۴۵۳م ترجمه کرد. این اثر ترجمه عجائب المخلوقات قزوینی است (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۰۵).

(۱) درباره این اثر نک: اسماعیلی، ۱۴۰۳.

(۲) این اثر با مقدمه نگارنده منتشر شده است.

تألیف و ترجمه به ترکی و حتی فارسی پس از دوره سلطان محمد فاتح همچنان ادامه یافت. حکیم شاه قزوینی کتاب حیوة الحیوان اثر دمیری را در دوره سلطان سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق) به فارسی ترجمه کرد (همان، ج ۲، ص ۷۴۵). وی چند اثر دیگر همچون مجالس النفائس میرعلی شیر نوایی را نیز از عربی و ترکی به فارسی ترجمه کرده است. حلیمی (ف: ۹۲۲ق) نیز که از ادبای فارسی‌دان آماسیه بود لغت‌نامه بحر الغرائب را در دوره سلطان سلیم از فارسی به ترکی ترجمه کرد (مفتاح و ولی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۱).

تألیف آثار به فارسی یا ترجمه از عربی به فارسی در آسیای صغیر از قرن پنجم تا دهم هجری رواج داشت. تا آغاز قرن دهم/ شانزدهم، تقریباً همه شاخه‌های ادبیات عثمانی مقهور نفوذ زبان و ادبیات فارسی بود. نویسندگان عثمانی آرزو داشتند در رقابت با شاعران و نثرنویسان ایرانی بتوانند آثاری به ظرافت و زیبایی آثار آنان خلق کنند (مناژ ۱۳۹۱، ص ۷۶). اصولاً ترجمه متون از قرن دهم/ شانزدهم و پس از جنگ چالدران رواج بیشتری یافت و به تدریج بیشتر شاهکارهای زبان فارسی به ترکی درآمد. معروف‌ترین مترجم این آثار شاعر و نویسنده معروف، لامعی برسوی (ف: ۹۳۹ق)، است که بسیاری از کتاب‌های فارسی از جمله اکثر آثار جامی را به ترکی ترجمه کرده و بدین سبب لقب «جامی رومی» یافته است. ترجمه‌های لامعی ارزش بسیار دارد و در عصر او و بعدها همیشه مورد توجه بوده است (ریاحی ۱۳۶۹، ص ۲۱۹).

مشخصات برخی دیگر از آثار مترجم در دوره سلاطین مختلف عثمانی بدین قرار است: ترجمه مفتاح المعانی در علم لغت از فارسی به ترکی به قلم فوری احمد افندی (ف: ۹۸۶ق/ ۱۵۷۸م) در دوره سلطان سلیمان؛ ترجمه نفحات الانس جامی از فارسی به عربی به قلم محرم افندی؛ ترجمه صحاح جوهری در لغت اثر اسماعیل بن حماد الجوهری فارابی از عربی به ترکی به قلم محمد افندی مشهور به وان‌قلی و ترجمه کیمیای سعادت امام غزالی به ترکی به قلم همو (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۸۲)؛ ترجمه اثر تاریخی کشف الغنم فی اخبار الامم و داستان مناقب بهمن‌شاه بن فیروز در هشت جلد بنا به فرمان سلطان سلیمان؛ ترجمه منتخباتی با عنوان بحر المعارف در قواعد و صنایع شعر، شعر، وزن، قافیه و نیز ترجمه ذخیره الملوک به فرمان شاهزاده مصطفی (اوزون چارشلی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۴۶)؛ ترجمه تاریخ طبری به قلم نصوح مطراقچی با عنوان مجمع التواریخ به نام سلطان سلیمان (همان‌جا)، مطراقچی این اثر را از ترجمه فارسی آن یعنی تاریخ بلعمی ترجمه کرده است (Hatam 1998, s. 309)؛ دوقاین‌زاده عثمان‌بیگ (ف: ۱۰۰۷ق) فاکهة الخلفا اثر ابن عرب‌شاه را که حاوی لطائف به زبان عربی بود و الوسائل اثر

امام سیوطی را با برخی اضافات و تعلیقات به ترکی ترجمه کرد، به صورت الفبایی تنظیم نمود و با نام ازهار الحماثل فی وصف الاوائل به سلطان محمد سوم تقدیم کرد (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۸۳)؛ آلتی پارماق محمد افندی (ف: ۱۰۰۳ق/۱۵۹۵م) معارج النبوه در تاریخ پیامبران اثر ملامسکین و نیز نگارستان در تاریخ اسلام و مناقب آن اثر غفاری (احمد بن محمد قزوینی) را با نام نزهة جهان و نادره دوران از فارسی به ترکی ترجمه کرد (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۸۴). اثر ملامسکین قبل از ترجمه آلتی پارماق به قلم قوجه نشانجی جلالی زاده مصطفی بیگ در ۹۶۴ق/۱۵۵۷م با نام دلائل نبوت محمدی و شمائل فتوت احمدی به ترکی ترجمه شده بود (همان، ج ۴، ص ۶۱۳). اوضح المسالك الى معرفت البلدان و الممالک اثر مفصل سپاهی زاده محمد افندی بورسوی (ف: ۹۹۷ق/۱۵۸۸م) که به زبان عربی و مربوط به لغات و اصطلاحات تاریخی و جغرافیایی امپراتوری عثمانی بود به صورت خلاصه به قلم خود نویسنده به ترکی ترجمه شد (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۹۲). کتاب ذخیره خوارزمشاهی در طب به قلم ابوالفضل محمد افندی، پسر ادريس بدلیسی مورخ، با عنوان قانون العلاج و شفاء الامراض لكل المزاج از فارسی به ترکی ترجمه شد (همان، ج ۴، ص ۵۹۴). ترجمه نصیحة الملوك و بخش هایی از احیاء العلوم به قلم اسعد محمد افندی؛ ترجمه ضیاء القلوب امداد الله هندی به فارسی و برخی آثار صوفیانه به ترکی به قلم اسعد محمد دده؛ ترجمه تحفة الاکياس فی الظن بالناس و چند اثر دیگر به قلم حسن توفیق افندی؛ ترجمه پندنامه عطار به قلم شعوری حسن افندی؛ ترجمه برخی اشعار فارسی سلطان سلیم با نام بارقه به قلم شیخ علی وصفی افندی؛ ترجمه معجم فی آثار ملوک العجم با نام ترجمان بلاغت به قلم صاریجه کمال برغمه وی؛ ترجمه گلستان سعدی و نان و حلواى بهاءالدين آملی به قلم صائب احمد افندی؛ ترجمه کنز الحقایق عین القضاة همدانی و مختارنامه شیخ عطار به قلم عشقی؛ ترجمه گلستان سعدی به نظم با نام غنچه بوستان و نیز ترجمه منظوم نان و حلوا و نان و پنیر بهاءالدين آملی به نظم به قلم عزت پاشا؛ ترجمه روضة الاحباب فی سیر النبی و الاصحاب از فارسی به ترکی به قلم عطاء الله بن فضل الله شیرازی نیشابوری؛ ترجمه معارج النبوة فی معارج الفتوة و دو اثر دیگر با عنوان تاریخ قلعه استانبول و معبد ایاصوفیه و ترجمه شاهنامه به نثر به قلم جلال زاده قوجه نشانجی مصطفی بیگ؛ ترجمه بیان بنای ایاصوفیه به قلم خیال زاده ابراهیم بن محمد افندی (این اثر به فرمان سلطان محمد فاتح ابتدا به فارسی سپس به ترکی برگردانده شد)؛ ترجمه پندنامه عطار به قلم رسمی احمد افندی؛ ترجمه و شرح پندنامه عطار به قلم فرائضی زاده محمد سعید افندی؛ ترجمه روضة الصفاى میرخواند با نام

ترجمان الدستور فی حوادث الازمان و الدهور به قلم کمالی محمد چلبی؛ ترجمه حبیب السیر میرخواند با نام تاریخ نجیبی به قلم محمد طاهر بن شیخ نورالله النجیبی؛ ترجمه دیگری از این اثر به قلم کمالی احمد دده (ف: ۱۰۱۰/ق: ۱۶۰۱م)، نخستین شیخ مولوی خانه ینی قپو،^۱ (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۸۹)؛ ترجمه تاریخ ذخیره الملوک اثر علی بن شهاب همدانی با نام تحفة المؤمنون به قلم محمد بن حسین افندی؛ ترجمه لطائف نامه اثر عبید زاکانی و قابوس نامه به قلم منجم باشی؛ ترجمه تاریخ تیمور با نام تاریخ تیمور گورکان به قلم نظمی زاده حسین مرتضی افندی؛ ترجمه تحفة المؤمنین با عنوان غنیة المحصلین فی ترجمه تحفة المؤمنین به قلم احمد ثانی بن حسن افندی؛ ترجمه فوائد الاخبار در طب به قلم طلعتی چلبی؛ ترجمه خلاصه تاریخ و صاف، تفسیر مواهب العلیه، ذخیره خوارزمشاهی من الطب، اخلاق محسنی و مدارج الاعتقاد فی ترجمه مناهج العباد به قلم ابوالفضل محمد افندی (دفتردار)، ترجمه مطلع السعدین عبدالرزاق سمرقندی به قلم راغب محمد پاشا؛ ترجمه ذخیره الملوک سید علی همدانی، عجایب المنخوقات قزوینی و رساله چوب چینی علاءالدین نورالله به قلم مصلح الدین مصطفی سروری (برای آگاهی بیشتر درباره ترجمه این اثر، نک: اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۹۳)؛ ترجمه کامل گلستان سعدی به قلم عثمان نورس؛ ترجمه خمسة نظامی به قلم جلیلی ازینقی (این اثر در زمان خود به عنوان یک شاهکار ادبی محسوب گردید)؛ ترجمه گل و نوروز جامی به قلم صابر رومی (درباره او، نک: دئیرمان چای ۱۳۹۷، ص ۳۱۷)؛ ترجمه پندنامه عطار به نظم به قلم امری ادرنه‌ای؛ ترجمه حیوة الحیوان دمیری به قلم ادیس بدلیسی؛ ترجمه چهل حدیث به قلم همو؛ ترجمه نگارستان اثر ابن کمال به قلم یحیی بن زکریا المفتی؛ ترجمه انیس العارفين به قلم جعفر چلبی؛ ترجمه خسرو و شیرین به قلم شیخی؛ ترجمه شواهد النبوه و نفحات الانس جامی و آثار متعدد دیگر نظیر ویس و رامین و وامق و عذرا به قلم لامعی بورسوی؛ ترجمه روضة الشعراى ملاحسین واعظ و التبر المسبوك غزالی و آثار دیگر از فارسی و عربی به ترکی به قلم عاشق چلبی؛ ترجمه شرفنامه شرف خان بتلیسی به قلم سلیمان ساوجی؛ ترجمه جامع الدول به نام صحایف الاخبار از عربی به ترکی به قلم ندیم؛ ترجمه مجالس النفاثس امیرعلیشیر نوایی از ترکی جغتایی به فارسی و ترجمه سفینه الشعرا همراه با الحاقات به قلم فهیم رومی؛ ترجمه مثنوی شریف و آثار دیگر به قلم صلاحی رومی؛ ترجمه دعوت نامه با نام فراست نامه و آثار دیگر به قلم فردوسی رومی؛ ترجمه گلستان سعدی و آثار متعدد دیگر به قلم نرگسی؛ ترجمه وفيات الأعیان

1) Yenikapı

ابن خلکان به قلم قاضی زاده اردبیلی؛ ترجمه سخانامه با نام مرادنامه به قلم درویش پاشا؛ ترجمه داستان خسرو و شیرین نظامی به نثر به قلم صبری سوسویل؛ ترجمه خمسه نظامی به قلم احمد رضوان؛ ترجمه خسرو و شیرین نظامی به قلم محمد معیدی؛ ترجمه کیمیای سعادت غزالی به قلم سحابی؛ ترجمه دیگری از این اثر به قلم نجاتی؛ ترجمه منظومه مهر و مشتری عطار به قلم میری (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۲۲۸-۳۳۴). نوالی نصوص افندی آق حصارى (ف: ۱۰۰۳/ق: ۱۵۹۴م) که بعد از عزمی افندی معلم و استاد شاهزاده محمد، سلطان محمد سوم، (حک: ۱۰۰۳-۱۰۱۲ق) شد کیمیای سعادت امام غزالی را به ترکی ترجمه کرد همچنین اخلاق محسنی و نیز کتاب ارسطو را با عنوان الریاسه و السیاسه که به زبان عربی ترجمه شده بود با اضافات و خاتمه به ترکی ترجمه کرد و آن را اخلاق نوالی و یا فرح نامه نامید و به شاهزاده محمد اهدا کرد (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۸۲، ۶۳۱). دو کتاب مطالع الانوار سراج الدین اُرموی (ف: ۶۸۲ق) و حکمة الاشراف شهاب الدین سهروردی به قلم یانیالی اسعد افندی (ف: ۱۱۴۳ق) به فارسی ترجمه شد (Muhittin 2011, C 40, s. 503).

فهرست حاضر نشان می دهد ترجمه متون زبان و ادب فارسی از قرن دهم/ شانزدهم گسترش بیشتر یافته و نویسندگان بزرگ اغلب کارشان را با ترجمه شروع کرده اند. آن ها ابتدا طبع خود را در بازسرای منظومه های فارسی به ترکی آزموده سپس به سرودن و نوشتن به ترکی همت گماشته اند. ترجمه متون نظم و نثر فارسی به ترکی نه تنها موجب تبحر و استادی شاعران و نویسندگان شده، بلکه به تقویت زبان ترکی و ارتقای آن به زبان مکتوب و ادبی کمک مؤثری کرده است. فهرست آثار ترجمه شده همچنین نشان می دهد برخی از شاهکارهای ادبیات فارسی نه یک بار که چندین بار در دوره های مختلف به قلم نویسندگان و شاعران ترک بازسرای، بازنویسی یا ترجمه شده است.

ترجمه آثار فارسی بعد از سقوط امپراتوری عثمانی نیز متوقف نشد، بلکه به شکلی منظم و برنامه ریزی شده ادامه یافت، چنانکه بعد از رسمیت یافتن خط لاتین و نوسازی زبان ترکی کار ترجمه در برنامه ریزی دولتی جای گرفت و در ترجمه هایی از ادبیات جهان شماری از شاهکارهای ادبیات ایران ترجمه و چاپ شد برای نمونه، پرفسور نجاتی لوغال ترجمه شاهنامه را به چاپ رساند (ریاحی ۱۳۶۹، ص ۲۲۰).

ترجمه های مکرر آثار فارسی به ترکی در دوره عثمانی و ترکیه جدید نه تنها تأثیر عظیمی در شناساندن فرهنگ ایرانی داشته، بلکه در حفظ برخی از متون به ویژه متن های مفقود شده بسیار مؤثر بوده است. برای

نمونه، جلد سوم داستان سمک عیار که امروزه در دست نیست، ترجمه آن به ترکی موجود است. همچنین داراب‌نامه بیغمی (داستان فیروزشاه پسر داراب) که نسخه منحصر به فرد آن ناقص است به قلم صالح بن جلال برای سلطان سلیم به نام «قصه فیروزشاه» ترجمه شده است (همان، ص ۲۲۱).

به جز ترجمه و بازنویسی متون فارسی به ترکی با پدید آمدن عرصه‌های دیگری نظیر لغت‌نامه‌نویسی و تذکره‌نویسی موجبات پیوند بیشتر بین دو زبان فارسی و ترکی بیش از پیش فراهم شد. لغت‌نویسان ترک‌زبان پارسی‌دان در تألیف لغت‌نامه‌های پارسی به ترکی کوشیدند و حتی، گاه تألیف لغت‌نامه‌های منظومی که از قرن نهم/پانزدهم شروع شده بود تا قرن دهم/شانزدهم ادامه یافت. ابن‌کمال پاشازاده دو اثر در این زمینه تألیف کرد، یکی دقائق الحقایق و دیگری محیط اللغات که هر دو فرهنگ به فارسی تنظیم شده و مؤلف بیشتر به نحوه کاربرد واژه‌ها در ادب فارسی توجه داشته است. در این زمینه آثار متعدد دیگری نیز پدید آمد از جمله، کتاب نعمة الله اثر نعمة الله بن احمد بن قاضی مبارک رومی در ۹۴۷ق به فارسی و لغت مثلث از فارسی به ترکی اثر بدرالدین منشی و فرهنگ شعوری به فارسی (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۳۳۷-۳۴۱). شعوری از دانشمندان اواخر قرن یازدهم/هفدهم بود که نوشتن فرهنگش ۱۲ سال به طول انجامید و بنابر اهمیتی که داشت در نخستین چاپخانه‌های عثمانی به چاپ رسید (اوزون چارشلی ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۵۸۵). از حسین افندی، هزارفن (ف: ۱۱۰۳/ق ۱۶۹۱م)، آثار متعددی باقی مانده از جمله، ترجمه لغت هندی که لغات هندی را به فارسی و ترکی ترجمه کرده است (همان، ج ۴، ص ۶۴۰).

حضور دو زبان عربی و فارسی به‌عنوان زبان‌های علمی و ادبی در جامعه عثمانی تلاش فرهنگ‌نویسان ترکی برای نوشتن فرهنگ‌های دو زبانه را بیشتر کرد. این روند از قرن یازدهم/هفدهم شتاب بیشتری گرفت. در فرهنگ‌های دو زبانه‌ای که نوشته می‌شد واژه‌های فارسی و عربی سرواژه بودند سپس معادل واژه‌ها به زبان ترکی آورده می‌شد (حسنعلی‌زاده و دیگران ۱۴۰۱، ص ۷۸-۷۹).

دوره لاله

به نوشته آیدوز تا دوره لاله (۱۱۳۰-۱۱۴۲ق)، ترجمه در امپراتوری عثمانی به شکل نظام‌مند که مورد حمایت ارکان دولت باشد شکل نگرفته بود از این دوره به بعد، با حمایت سلطان احمد سوم (حک: ۱۱۱۴-۱۱۴۲ق) و صدراعظم او، داماد ابراهیم پاشا (ف: ۱۱۴۲ق)، ترجمه شکلی نظام‌مند یافت و آثار متعددی از زبان‌های فارسی، عربی و اروپایی به ترکی ترجمه شد (Aydüz 1997, s. 143). بیشتر آثار ترجمه شده در این دوره،

به دلیل علاقه صدر اعظم به تاریخ درباره این موضوع بود. برخی از آثار نظیر حبیب السیر و عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان را هیئت از مترجمان زبده به ترکی ترجمه کردند (ibid, s. 152-153).

نخستین اثری را که هیئت مترجمان به درخواست ابراهیم پاشا به ترکی برگرداند، جامع الدول (صحائف الاخبار فی وقایع الآثار) اثر منجم باشی درویش احمد دده بن لطف الله (ف: ۱۱۱۳ق) بود. پس از آن، هیئت مترجمان کتاب عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان (تاریخ عینی) اثر محمود بدرالدین عینی را نیز ترجمه کرد. این اثر یکی از مفصل ترین تاریخ های عمومی در ۲۴ جلد و هر جلد در حدود ۸۰۰ صفحه بود که به ترکی برگردانده شد (ibid, s. 152). کوچک چلبی زاده عاصم افندی در اثر خود نام سی نفر از مترجمانی را که در ترجمه این اثر نقش داشته اند آورده است (ibid, s. 153). همچنین دو اثر ارسطو، یکی با عنوان کتاب الثمانیه فی سمت طبیعه و دیگری کتاب السیاسة فی تدبیر ریاسة (سر الاسرار)، را محمود حمدی با عنوان کشف الأستار عن سر الاسرار از عربی به ترکی ترجمه کرده است (ibid, s. 162). در همین دوره، مرآت الملوک غزالی (پورگشتال ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۸۵۷) و وفیات الاعیان ابن خلکان (همو، ج ۳، ص ۲۳۳۳) ترجمه شد. ابوالفیض مصطفی بن احمد (ف: ۱۱۵۶ق) کتابی را در علم طب با عنوان نزهت الابدان فی ترجمه غایت الاتقان ترجمه کرد. آثار متعدد دیگری نیز از عربی به ترکی ترجمه شد از جمله، در علم حدیث کتاب شفاء الشریف اثر مشهور قاضی عیاض با عنوان الاستشفاء فی ترجمة الشفاء و چند اثر دیگر (Aydüz 1997, s. 164). کوچک چلبی زاده عاصم افندی در سال ۱۱۴۰ق به درخواست داماد ابراهیم پاشا اثر خواجه غیاث الدین محمد نقاش تبریزی را با نام عجائب اللطائف (سفارت نامه خطای) را از فارسی به ترکی ترجمه کرد (ibid, s. 160) محی الدین ۲۰۱۱، ج ۵۰، ص ۴۰). اعضای هیئت بدین قرار بودند: منصورزاده (قاضی حلب قدیم)؛ فصیح حسن افندی (مدرس)، برادر یک چشمی دزی افندی یعنی سعدی افندی؛ قاسم پاشا (شیخ مولوی خانه)؛ نحیف افندی (از خواجه دیوان)؛ هروی فائض افندی (کاتب دیوان)؛ شرمی افندی (کاتب دیوان)؛ سید چلبی (کاتب دفتر خاقان)؛ یانیالی محمد اسعد؛ هراتلی قابضی (کاتب دیوان) و چند قاضی دیگر (Aydüz 1997, s. 158).

تاریخ عالم آرای عباسی اثر اسکندر بیگ منشی را محمد نبیه حدود صد سال پس از تألیف به درخواست داماد ابراهیم پاشا به ترکی ترجمه کرد. مترجم پس از مقدمه مفصلی که بر این ترجمه نوشت درباره روش کار خود نیز مطالبی بیان کرد (ibid, s. 161-162). برخی ترجمه های ناتمام نیز به اهتمام سلطان احمد سوم و صدر اعظمش پایان یافت برای نمونه، ترجمه مثنوی مولوی را که سلیمان نحیف (ف: ۱۱۵۰ق) شروع کرده بود و ناتمام مانده بود به انجام رسید و به صدر اعظم اهدا شد (ibid, s. 164).

دوره معاصر

ترجمه در قلمرو عثمانی تا قرن یازدهم/ هفدهم به زبان‌های فارسی و عربی منحصر می‌شد. به دنبال تحولاتی که در اروپا پس از رنسانس پدید آمد عثمانی ناچار به بازنگری در وضعیت خود شد. از یک سو بازنگری به خود و از سوی دیگر نگاه به غرب، راه دست‌یابی به علوم و فنون غربی حتی، پیش از دوره تنظیمات را هموار کرد (Aksoy 2005, s. 962) و نخستین آشنایی با آثار اروپایی و ترجمه آن‌ها صورت گرفت. در این زمینه، کاتب چلبی، مؤلف جهان‌نما، پیشگام بود. او برای آگاهی از جغرافیای ممالک اروپایی نیاز به منبعی داشت که بتواند با رجوع به آن اثر خود را تکمیل کند. او در سال ۱۰۶۴ق/ ۱۶۵۴م یک راهب فرانسوی دانشمند و نو مسلمان را که پس از مسلمان شدن، با نام شیخ محمد اخلاصی معروف شده بود به دستگیری خویش انتخاب کرد و به یاری او آثار بزرگ اروپایی در زمینه جغرافیا و نقشه‌کشی، مانند اطلس‌ها و آثار بزرگان آن روزگار را مطالعه کرد و در تحریر دوم جهان‌نما از آن‌ها بهره جست. وی از محرم ۱۰۶۴/ ۱۶۵۳م به کمک اخلاصی کتاب اطلس مختصر (Atlas Minor) گرادوس مرکاتور را با عنوان لوامع النور فی ظلمة اطلس مینور، به صورت تقریر، به ترکی ترجمه کرد. ترجمه این اثر در ۲۵ رمضان ۱۰۶۵/ ۲۹ تموز ۱۶۵۵ پایان یافت. محققان معلوم کرده‌اند که ترجمه مزبور از روی متن اصلاح شده «اطلس» که به سال ۱۶۲۱م در آرنه‌ایم به وسیله هوندوس منتشر شد انجام گرفته است (کراچکوفسکی ۱۳۷۹، ص ۴۹۴-۴۹۵؛ لونس ۱۳۸۹، ص ۱۹۵). در قرن‌های هفدهم و هجدهم، به تدریج در عثمانی ترجمه از زبان‌های اروپایی رواج یافت. با این حال شماری از دانشمندان عثمانی هنوز به برگردان آثار فارسی و عربی اهتمام داشتند. یکی از واپسین دانشمندان دوره قدیم به نام عاصم افندی (۱۷۵۵-۱۸۱۹م) که زبان‌های عربی و فارسی را تا جایی که بتواند شعر بسراید فراگرفته بود، در سال ۱۲۱۲ق/ ۱۷۹۷م برهان قاطع را با نام تبیان نافع در ترجمه برهان قاطع از فارسی به ترکی ترجمه کرد. وی همچنین در سال ۱۲۲۰ق قاموس یا قاموس المحيط فیروزآبادی را به ترکی ترجمه نمود (رئیس‌نیا ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۱۹). نهاد سامی ترجمه برهان قاطع و قاموس را پاسخ شایسته عاصم افندی به نیاز زمانه ارزیابی کرده است. از دید او با توجه به گسترش فرهنگ و تمدن غربی در عثمانی، از سده یازدهم/ هفدهم به بعد، وجود واژگان و اصطلاحاتی که بتواند علوم و فنون نورا به زبان ترکی عثمانی انتقال دهد، لازم بود (همان، ج ۳، ص ۱۲۱). از قرن دوازدهم هجری/ هیجدهم میلادی به بعد، با آشنایی بیش از پیش عثمانیان با فرهنگ و تمدن اروپایی، به تعداد

ترجمه آثار فرنگی به ترکی افزوده شد. آیدوز با بررسی آثار ترجمه شده نشان داده که ترجمه‌ها بیشتر حول چهار موضوع نجوم، طب، جغرافیا و فنون نظامی بوده است (Aydüz 1997, s. 5-9). از قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی به بعد که غرب‌گرایی شتاب بیشتری گرفت دامنه ترجمه آثار اروپایی به موضوعات ادبی، هنری، فرهنگی، فلسفی، علمی، فنی، تاریخی و جغرافیایی گسترش یافت (Aksoy 2005, s. 953). از دوره محمود دوم (حک: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق)، علاوه بر ادامه ترجمه به دست دانشمندان و نویسندگان، دارالترجمه (Tercüme Odası) تأسیس شد تا با آموزش مترجمان رسمی، نیازهای دستگاه‌های دولتی در امر ترجمه برآورده شود. اقبال به ترجمه آثار اروپایی به معنی کنار گذاشتن ترجمه آثار فارسی به ترکی - به مثابه زیربنا و پشتوانه فکری و فرهنگی ترکان آسیای صغیر - نبود، چنان‌که از دوره استقرار جمهوریت (۱۹۲۳م) در ترکیه تا به امروز، دانشمندان و اندیشمندان ترکیه همچنان نسبت به تصحیح و ترجمه متون و آثار فارسی اهتمام ویژه داشته‌اند. این امر در دوران اخیر با گسترش دانشگاه‌ها در ترکیه در قالب طرح‌ها و پروژه‌های دانشگاهی جنبه آکادمیک یافته است. اگر سعی و همت شماری از محققان برجسته ترکیه در تصحیح متون فارسی و تلاش فهرست‌نویسان نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف ترکیه نبود، ای بسا، ما از وجود شمار زیادی از آثار فارسی تولید شده در قرن‌های مختلف در قلمرو سلاجقه روم و امپراتوری عثمانی آگاهی نداشتیم.

نتیجه

با شکست بیزانس در نبرد ملازگرد (۴۶۳ق)، دوره‌ای از مهاجرت و اسکان در آسیای صغیر آغاز و راه نفوذ زبان و فرهنگ ایرانی به آسیای صغیر هموار شد. در دوران حکمرانی سلاجقه روم و امیرنشین‌ها، آثار متعددی به زبان فارسی تألیف شد. دولت عثمانی پیش از تأسیس، همانند دیگر امیرنشین‌های آسیای صغیر در قرون هفتم و هشتم هجری/ سیزدهم و چهاردهم میلادی، تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی بود. امیران و شاهزادگان عثمانی نیز با فرهنگ و ادب فارسی به خوبی آشنا بودند. بعد از تشکیل دولت عثمانی (۶۹۹ق)، با وجود پیشرفت تدریجی زبان ترکی، زبان فارسی همچنان زبان مکاتبات ادبی و سیاسی به شمار می‌رفت. نخستین سلاطین عثمانی با اینکه به سه زبان آشنا بودند، در نگارش مکاتبات خود را به استفاده از زبان فارسی مقید می‌کردند. بعد از پایان دوره فترت و روی کار آمدن چلبی محمد (حک: ۸۱۶-۸۲۴ق)، به تدریج موقعیت دولت عثمانی مستحکم و به زبان ترکی توجه بیشتری شد. تحول

اساسی در تقویت زبان ترکی از دوره مراد دوم (حک: ۸۲۴-۸۵۵ق) آغاز شد. او در فرمانی دستور داد تا در سراسر قلمرو دولت عثمانی، افراد به زبان ترکی سلیس و ساده بنویسند. پیشرفت تدریجی زبان ترکی، موقعیت زبان فارسی را تضعیف کرد، با این حال شوق و علاقه اهل علم و ادب به خواندن آثار منظوم و منثور فارسی هرگز فروکش نکرد. تا جایی که آثار ارزشمندی به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شد. ترجمه از زبان فارسی به ترکی و نیز تقویت زبان ترکی در دوره جانشین مراد دوم، محمد فاتح (حک: ۸۵۵-۸۸۶ق)، همچنان ادامه یافت. تألیف و ترجمه به ترکی و حتی فارسی، بعد از دوره فاتح همچنان ادامه یافت به گونه‌ای که ترجمه متون زبان و ادب فارسی از قرن دهم/ شانزدهم گسترش بیشتری یافت و نویسندگان بزرگ، اغلب کارشان را با ترجمه آغاز می‌کردند. برگردان متون نظم و نثر فارسی به ترکی نه تنها موجب تبحر و استادی شاعران و نویسندگان قلمرو عثمانی شد، بلکه به تقویت زبان ترکی و ارتقای آن به زبان مکتوب و ادبی کمک مؤثری کرد. آثار ترجمه‌شده همچنین نشان می‌دهد برخی از شاهکارهای ادبیات فارسی نه یک‌بار که چندین بار در دوره‌های مختلف به قلم نویسندگان و شاعران ترک بازسرای، بازنویسی یا ترجمه شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از اهمیت جایگاه زبان فارسی در دوره عثمانی است. کثرت و تنوع آثار ترجمه‌شده به ترکی مبین اقبال نخبگان عثمانی به برگردان آثار فارسی به ترکی است. ترجمه آثار فارسی بعد از سقوط امپراتوری عثمانی نیز متوقف نشد، بلکه به شکلی منظم و برنامه‌ریزی شده ادامه یافت.

پی‌نوشت

- (۱) «ترکمان‌ها که نیروهای اصلی تصرف‌کننده شهرها بودند، بنا به شیوه زندگی‌شان به جای شهرها، بیلاق‌ها و روستاها را برای زندگی ترجیح می‌دادند. کسانی که به تصرف شهرها اقدام می‌کردند نه از نیروی نظامی بودند و نه از افراد وابسته به تشکیلات سیاسی. اینها از زمره کسانی بودند که می‌توان آن‌ها را "قاتحان معنوی" دانست که از میان توده مردم بودند.» (شکر ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).
- (۲) مهم‌ترین زبان‌های ترکی جنوب غربی (اغوز) عثمانی، آذربایجانی و استانبولی است. در بخش‌هایی از عراق، ترکمنی هم رایج است.
- (۳) کتاب دستور شاهی فی حکایت پادشاهی یا مرزبان‌نامه شیخ اوغلی ترجمه‌ای به زبان ترکی قدیم آناتولی است که مصطفی شیخ‌اوغلی آن را بر اساس مرزبان‌نامه وراوینی به رشته تحریر آورد. ترجمه ترکی مرزبان‌نامه اثری مهم و ارزشمند در ادبیات ترکی است.

منابع

- آیدین، شادی (۱۳۸۵)، عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از قرن نهم تا دوازدهم هجری)، تهران، امیرکبیر.
- احسان اوغلو، اکمل‌الدین (۱۳۹۷)، دولت و جامعه در دوره عثمانی، مترجمان: علی کاتبی و دیگران، تهران: نشر مرجع.
- اسماعیلی، زیبا (۱۴۰۳)، «معرفی نسخه خطی مناظره لیل و نهار اثر معدانی اصفهانی»، نشریه علمی پژوهش‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متون، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۹۳-۱۶۶.
- ارطغرل، علی (۱۳۹۱)، «تاریخ-نویسی در آناتولی (پیش از دوره عثمانی)»، تاریخنگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اوزتک، نجدت (۱۳۹۱)، «در باب تاریخنگاری عثمانی»، تاریخنگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین، نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اوزون چارشلی، اسمعیل حقی (۱۳۷۰)، تاریخ عثمانی (از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی)، ترجمه وهاب ولی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____، اوزون چارشلی، اسمعیل حقی (۱۳۸۰)، تاریخ عثمانی (از تشکیل حکومت عثمانی تا فتح استانبول)، ترجمه وهاب ولی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____، اسمعیل حقی (۱۳۹۱)، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورگشتال، هامر (۱۳۶۷)، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزازکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران، زرین.
- جوادی، حسن (۱۴۰۱)، «شاهنامه در دیار ترکان»، ترجمه مصطفی حسینی، بخارا، بهمن - اسفند، س ۲۷، ش ۱۵۴، ص ۴۳-۶۶.
- حسنعلی‌زاده، سمانه، علی شهیدی و زهره زرشناس (۱۴۰۱)، «کارکرد فرهنگ‌های منظوم دو زبانه فارسی-ترکی در انتقال دانش زبان فارسی در دوره عثمانی در آناتولی»، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، دوره ۷۵، ش ۲۴۵، ص ۷۳-۹۶.
- حیدرزاده، توفیق (۱۳۷۶)، «مهاجرت علمای ایران به امپراتوری عثمانی (و انتقال سنت‌های مدارس ایرانی به آن سرزمین، از اوایل دوره تیموری تا اواخر عهد صفوی)»، فرهنگ، شماره ۲۰ و ۲۱، ص ۴۹-۹۴.
- دئیرمان چای، ویس (۱۳۹۷)، پارسی سرایان آسیای صغیر، ترجمه اسدالله واحد، تبریز، دانشگاه تبریز.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹)، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران، پازنگ.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز، ستوده.
- سعیدی، مریم و پروانه معاذالهی (۱۳۹۴)، سنت ترجمه در عصر ایلخانان و تیموریان، تهران، قطره.
- شش‌ن، رمضان (۱۳۹۱)، «مورخان عثمانی»، تاریخنگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- شکر، محمد (۱۳۸۵)، سلجوقیان (شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی)، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل، قم، ادیان.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹)، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.

کوپرولو، محمدفؤاد (۱۳۸۵)، صوفیان نخستین در ادبیات ترک، ترجمه و توضیح، توفیق سبحانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

لوئیس، برنارد (۱۳۸۹)، نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه محمد قاند، تهران، کارنامه.

لوئیس، جفری (۱۴۰۲)، اصلاح زبان ترکی (موقفیت فاجعه‌بار)، ترجمه طاهر خدیو، تهران، شیرازه.

مشهدی رفیع، علی (۱۴۰۱)، سرگذشت‌نامه‌های فارسی کلیسای ایاصوفیه، استانبول، اورینتال کمپانی.

مفتاح، الهامه و وهاب ولی (۱۳۷۴)، نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مناژ، ویکتور ال (۱۳۹۱)، آغاز تاریخنگاری عثمانی (در تاریخنگاری و مورخان عثمانی)، ترجمه نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

نوریلدیز، سارا (۱۳۹۱)، «نخبگان ایرانی در خدمت سلطان عثمانی: تاریخ‌نویسی فارسی در دوره عثمانی (سده‌های دهم و یازدهم)»، تاریخنگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

واحد، اسدالله و دیگران (۱۳۹۴)، تأثیر زبان و ادبیات فارسی در ادبیات دیوانی عثمانی، زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، ۶۸ (۲۳۱)، ۱۳۷-۱۵۵.

Aksoy, Berrin (2005), "Translation Activities in the Ottoman Empire", *Meta*, C. 50 (3), s.949-956.

Aydüz, Salim (1997), "Lale Devri'nde Yapılan İlmî Faaliyetler", *Divan*, C.1, s. 143-170.

Balci, Sezai (2006), "Osmanlı Devleti'nde Tercümanlık ve Bab-ı Ali Tercüme Odası", Doktora Tezi, Ankara.

Doğan, Enfel (2012), "On Translations of Qabus-Nama During the old Anatolian Turkish Period", *Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi*, C. 5, No. 21, S.76-86.

Hatam, Anja Pistor (1998), "The Art of Translation. Rewriting Persian Texts From the Seljuks to the Ottomans", in: *Essays on Ottoman Civilization. Proceedings of the XIIIth Congress of the Comité Inter-national d'Etudes Pré-Ottomanes et Ottomanes, Praha 1996*, Archiv orientální Supple-menta VIII. (1998), Prag, s. 305-316.

Muhittin, Macit (2011), "Tercüme Hareketleri", *TDV İslam Ansiklopedisi*, C. 40, s.498-504.

Tosun, Necdet (2019), "Osmanlı Döneminde Farsçadan Türkçeye Tercüme Edilen Bazı Mühim Tasavvufî Eserler", *Dil ve Edebiyat Araştırmaları (DEA)*, Güz, 2019; (20) s. 229-266.

References

Aksoy, Berrin (2005), "Translation Activities in the Ottoman Empire", *Meta*, vol. 50 (3), pp.949-956.

Aydin, Shadi (2006), *Elements of Iranian Culture and Literature in Ottoman Poetry* (from the 9th to the 12th Century AH), Tehran, Amir Kabir.

Aydüz, Salim (1997), "Scientific Activities During the Tulip Era", *Divan*, vol.1, pp. 143-170.

Balji, Sezai (2006), "The Role of Translation in the Ottoman Empire and the Translation Office of the Sublime Porte", Doktora Tezi, Ankara.

Deyirmencay, Veys (1997), *poets of Asia Minor* (Parsi Sorayan-e Asiya-ye Saghir), translated by Asadollah Vahed, Tabriz, University of Tabriz.

Do'an, Enfel (2012), "On Translations of Qabus-Nama During the old Anatolian Turkish Period", *Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi*, vol. 5, No. 21, pp.76-86.

Hammer-Purgstal, Joseph, Freiherr von (1988), *Tarikh-e Emperaturi-ye Osmani* (History of the Ottoman Empire), translated by Mirza Zaki Aliabadi, edited by Jamshid Kianfar, Tehran, Zarrin.

- Hassanalizadeh, Samaneh, Ali Shahidi and Zohre Zarshenas (2012), "The Function of Persian-Turkish Bilingual Poetic Cultures in the Transmission of Persian Language Knowledge in the Ottoman Period in Anatolia", *Persian Language and Literature* (Former Publication of the Faculty of Literature, University of Tabriz), No. 75 (245), pp. 73-96.
- Hatam, Anja Pistor (1998), "The Art of Translation. Rewriting Persian Texts From the Seljuks to the Ottomans", in: *Essays on Ottoman Civilization. Proceedings of the XIIth Congress of the Comité Inter-national d'Etudes Pré-Ottomanes et Ottomanes, Praha 1996*, Archiv orientální Supple-menta VIII. (1998), Prag, pp. 305-316.
- Heydarzadeh, Tofiq (1996/1997), "The Migration of Iranian Scholars to the Ottoman Empire (and the Transfer of Iranian School Traditions to That Land, from the Early Timurid Period to the Late Safavid Period)", *Farhang*, No. 20 and 21, pp. 49-94.
- Javadi, Hassan (1972), "The Shahnameh in the Land of the Turks", translated by Mostafa Hosseini, *Bukhara27*, No. 154, pp. 43-66.
- Kuprulu, Mehmet Fuad (2006). *Early Mystics in Turkish Literature*. translated and explained by Tofiq Sobhani, Tehran. Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries.
- Krachkovsky, Ignatii Iulianovich (2000), *Tarikhneveshteha-ye Gografiai dar Jahan-e Eslam (History of Geographical Writings in the Islamic World)*, translated by Abolghasem Payandeh, Tehran, Elmi- Farhangi.
- Lewis, Bernard (2009), *The first Muslims in Europe, (Nakhostin Mosalmanan dar Orupa)*, translated by Mohammad Ghaed, Tehran, Karnameh.
- Lewis, Geoffrey (2002), *The Turkish Language Reform, (Eslah-e Zaban-e Turki)*, translated by Taher Khadiv, Tehran, Shirazeh.
- Mashhadi Rafi, Ali (2001), *Sargozashnameha-ye Farsi-ye Kelisa-ye Ayasofiyeh*, Istanbul, Oriental Company.
- Meftah, Elhameh and Vahab Vali (2005), *Negahi be Ravand-e Nofuz va Gostaresh-e Zaban va Adab-e Farsi dar Turkiye*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ménage, Victor L. (2012), *The Beginning of Ottoman Historiography*, translated by Nasrollah Salehi, Tehran, Research Center for Islamic History.
- Muhittin, Macit (2011), "Tercüme Hareketleri", *TDV İslam Ansiklopedisi*, vol. 40, pp.498-504.
- Nur Yıldız, Sara (2012), "Iranian Elites in the Service of the Ottoman Sultan: Persian Historiography in the Ottoman Period (10th and 11th Centuries)", *Tarikhnegari va Movarrekhan-e Osmani*, translated by Nasrollah Salehi, Tehran, Research Center for Islamic History.
- Oztork, Nejdath (2012), "Some Considerations on Historiography in The Ottoman Empire", *Ottoman historians and historians*, translated by Nasrollah Salehi, Tehran, Research Center for Islamic History.
- Ozuncharshli, Ismail Haghi (1991), *Ottoman history, (From the Conquest of Istanbul to the Death of Sultan Suleiman Ghanouni)*, translated by Vahab Vali, Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- _____, Ismail Haghi (2001), *Ottoman history, (From the Formation of the Ottoman State to the Conquest of Istanbul)*, translated by Vahab Vali, Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- _____, Ismail Haghi (2012), *Ottoman history*, translated by Vahab Vali, Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ra'is-niya, Rahim (1995), *Iran va Osmani dar Astane-ye Gharn-e Bistom*, Tabriz, Sotoudeh.
- Riyahi, Mohammad Amin (1980), *Zaban va Adab-e Farsi dar Ghalamro-ye Osmani*, Tehran, Pazhang.
- Saeedi, Maryam and Parvaneh Maazallahi (2015), *Sonnat-e Tarjome dar Asre Ilkhanan va Teymurian*, Tehran, Ghatreh.
- Shashan, Ramazan (2012), "Ottoman Historians", *Tarikhnegari va Movarrekhan-e Osmani*, translated and edited by Nasrollah Salehi, Tehran, Research Center for Islamic History.
- Sheker, Mehmet (2006), Seljuks (defeat of Byzantium at Malazgerd and spread of Islam in Anatolia), translated by Nasrollah Salehi and Ali Artogrul, Ghom, Nashr-e-Adyan.
- Tosun, Nejdath (2019), "Some Important Sufi Works Translated from Persian into Turkish During the Ottoman Period", *Language and Literature Studies (DEA)*, Autumn, (20) pp. 229-266.